

تورم زیر شلاق تعزیرات هم مقاومت می‌کند!

عمر دوره جدید اجرای طرح تعزیرات حکومتی به مرحله‌ای رسیده است که بتوان در مورد کارکرد و تأثیرگذاری آن بر اقتصاد عمومی کشور و قدرت خرید توده مصرف کننده به داوری نشست.

اقتصاددانان در مورد تعارض نظارت غلاظ و شداد دولت بر قیمت‌ها با قانونمندیهای اقتصاد آزاد، یا اقتصاد بازار، که اساس برنامه‌ریزی اقتصادی کشور از سال ۱۳۶۸ به این سو را تشکیل می‌دهد مقالات متعددی نوشته‌اند و اظهار نظرهای گوناگونی ارائه کرده‌اند، و لذا در این گزارش قصد ما پرداختن به این تعارض‌ها نیست. در این گزارش می‌گوئیم دیدگاه‌های عمومی را در مورد اثرات اجرای طرح تعزیرات به تصویر بکشیم. برای شروع، به قیمت رسمی و کنترل شده دو کالای خوراکی عمده استناد می‌کنیم: گوشت و سیب‌زمینی.

قیمت گوشت مخلوط گوسفند در مهرماه در فروشگاه‌های تعاونی سه هر کیلو ۷۰۰۰ ریال بود، اما از آغاز آبان به ۸۲۰۰ ریال افزایش یافت. (طی همین مدت قیمت فروش گوشت مخلوط گاو در این فروشگاه‌ها ۱۰۲۰۰ ریال بود).

تا اواخر مهر سیب‌زمینی به وفور یافت می‌شد و قیمت هر کیلو آن در میدان میوه و تره‌بار بین ۴۰۰ تا ۴۵۰ ریال بود، اما عرضه سیب‌زمینی در این میدان ناگهان متوقف شد و جزو کالاهای «پشت پیشخوانی» درآمد. از آن پس کسی که طالب سیب‌زمینی بود می‌باید بابت هر کیلو آن تا ۱۰۰۰ ریال بپردازد. این کمیابی و گرانی در حالی است که مهر و آبان در کشور ما فصل خرید سیب‌زمینی انباری است و عرضه آن در سالهای گذشته در این دو ماه به اوج می‌رسید.

در حالی که گرانی و کمیابی سیب‌زمینی ادامه داشت وزارت کشاورزی روز سوم آبان با انتشار این آمار که میزان تولید سیب‌زمینی در سال زراعی جاری ۳/۲ میلیون تن (مساوی با میزان تولید سال گذشته) است از این تاریخ صادرات آن را تا پایان سال جاری ممنوع اعلام کرد.

با وجود اعلام ممنوعیت صادرات سیب‌زمینی، نه قیمت آن کاهش یافت و نه بر میزان عرضه آن افزوده شد. چرا؟ علت شاید این باشد که قسمت عمده این محصول قبل از اعلام ممنوعیت صادرات آن به خارج، به ویژه به کشورهای تازه استقلال یافته شمالی صادر شده است. اگر چنین نباشد باید انبارهای محکوران خیلی زود کشف می‌شد و عرضه آن افزایش می‌یافت و

قیمتش هم تنزل می‌کرد. اما چنین نشد و تا زمان تهیه این گزارش سیب زمینی همچنان گران و کمیاب بود و حتی قیمت آن به هر کیلو ۱۵۰۰ ریال هم رسید.

اکنون این پرسش را مطرح کنیم چرا در فاصله‌ای کوتاه قیمت گوشت مخلوط گوسفندی در فروشگاه‌های زیر نظارت و کنترل شدید است و عنوان تعاونی را هم پدک می‌کشد ۱۹ درصد گران شده است؟

پاسخ این پرسش را هم باید در صادرات این کالا جستجو کرد.

بصره ۵۲ قانون بودجه سال جاری دولت را مجاز دانسته که اجازه صادرات ۱۴۰۰۰۰۰۰ راس دام (گوسفند و بز) از کشور را بدهد و در ازای صدور هر راس گوسفند ۷۰۰۰۰ ریال و در ازای صدور هر راس بز ۲۰۰۰۰ ریال از صادرکنندگان دریافت کند. امید مجلس و دولت از اجرای این بصره کسب ۱۱۲ میلیون دلار درآمد ارزی بوده است.

صادرات دام چنان رونقی گرفت که فقط مجوز صدور هر راس دام تا ۳۵۰۰۰ ریال اضافه قیمت پیدا کرد؛ یعنی کسانی- نزدیکانی- بودند که ۷ یا ۲ هزار تومان به دولت می‌دادند و مجوز صدور یک راس دام را می‌گرفتند، آن وقت کسانی بودند که همین مجوز را با سه هزار و پانصد تومان سود از ایشان می‌خریدند. گزارش‌های دیگری نیز حکایت از آن دارد که سود مجوز صدور یک راس دام حتی به ۷ هزار تومان هم رسیده است.

در کشوری که هم اکنون مجبور است برای تأمین کسری تولید گوشت قرمز خود سالانه حداقل ۵۰ هزار تن گوشت وارد کند صدور ۱۴۰۰۰۰۰ راس دام با چه منطقی قابل توجه است؟

کسی نمی‌داند میزان واقعی صادرات سیب‌زمینی و گوسفند و بز از کشور چه مقدار و چند راس بوده است؟ ولی اگر امکان دسترسی به این آمار وجود نداشته باشد می‌توان تیعات آن را به رای‌العین دید، و حتی می‌توان حدس زد که قیمت گوشت و سیب‌زمینی در ماه‌های بهمن- اسفند ۷۶ و فروردین ۱۳۷۵ به چه مبلغی خواهد رسید؟

با این جمع اعداد آیا می‌توان از اجرای قانون تعزیرات انتظار معجزه داشت؟

گرانی خزننده، اما بی‌وقفه است

مردم در روزنامه‌ها می‌خوانند که حتی مؤسسات و صنایع وابسته به دولت از طرف مأموران تعزیرات تحت

پسگرد قرار می‌گیرند و به جرائم سنگین محکوم می‌شوند. اما از سوی دیگر شاهدند بگیر و ببندها نه تنها قادر به مهار زدن بر قیمت‌ها نیست، بلکه بهای انواع کالاها و خدمات خزننده، اما بی‌هیچ وقفه‌ای افزایش می‌یابد و تورم حتی زیر شلاق تعزیرات حکومتی هم مقاومت می‌کند.

روزی نیست که خبر از گرانی، کمیابی و یا حتی نایابی یک کالا در بازار بوسیله رسانه‌های جمعی منعکس نشود؛ لاستیک اتومبیل نایاب می‌شود و قیمت یک جفت لاستیک پیکانی به حدود ۴۳ هزار می‌رسد، لامپ روشنایی نایاب می‌شود و یک گزارشگر ماهنامه مجبور می‌شود یک لامپ معمولی را ۴ هزار ریال بپردازد. قیمت تخم مرغ به عددی ۱۷۰ ریال می‌رسد و... و حتی خود دولت قیمت برخی کالاها را افزایش می‌دهد: مثلاً قند و شکر که ۱۰۰ ریال بر قیمت هر کیلو آن افزوده شد.

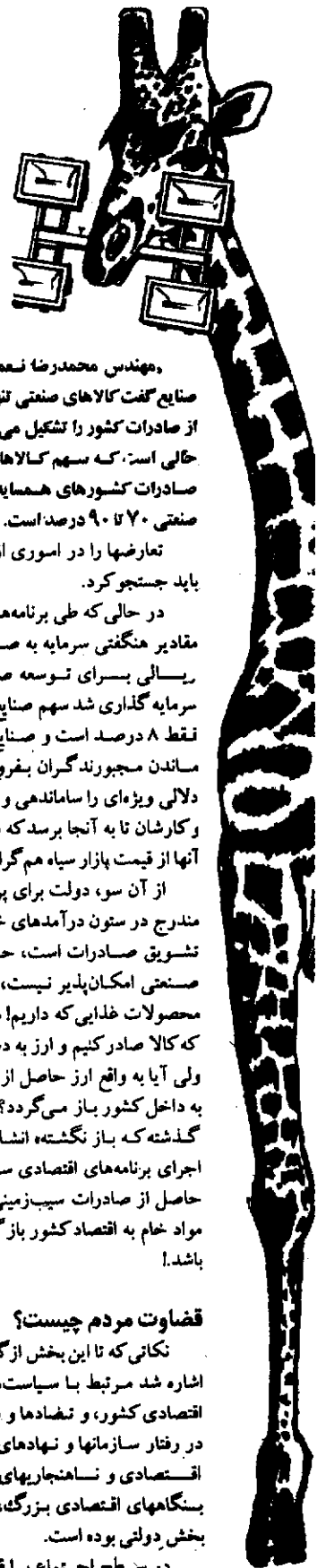
ما با گروهی از مأموران تعزیرات حکومتی گفتگو کرده‌ایم و آنان را در کارشان صادق و جدی دیده‌ایم، اما عجیب است که با وجود این روحیه، و علی‌رغم سختگیری محاکم مجری قانون تعزیرات گرانی مهار نمی‌شود و تورم همچنان می‌تازد.

وضع کنونی زمانی عجیب می‌نماید که تعارض‌ها را در نظر بگیریم، اما اگر به دوگانگی رفتارهای سازمانهای برنامه‌ریز و بنگاه‌های اقتصادی دولتی دقیق شویم آنگاه دیگر تعجبی نخواهیم کرد.

سه خبر را بی‌هیچ تفسیری از روزنامه‌های ۴ و ۷۴/۸۶ نقل می‌کنیم تا برخی از این تعارض‌ها را بشناسیم:

درییس کل گمرکات قطر گفت صادرات ایران به قطر طی ۱۰ ماهه سال ۱۹۹۵ میلادی از ۵۵ میلیون ریال قطر به ۷۵ میلیون ریال افزایش یافته است [حدوداً هر ۳/۶ ریال قطر معادل یک دلار آمریکا است]. شیخ فیصل آل ثانی افزود: بخش عمده این کالاها به ویژه مواد غذایی و دام زنده از بوشهر به قطر صادر شده است...

... هم اکنون کارخانه ایران و انت، مزدا ۱۶۰۰ تک کابین را بدون نمره ۲۹/۶ میلیون ریال به مستقانیان تحویل می‌دهد در حالی که همین خودرو نمره شده حدود ۲۷/۵ میلیون ریال در بازار معامله می‌شود. همچنین شرکت نیرو محرکه در حال حاضر هر دستگاه موتورسیکلت وسپا ۱۵۰ مونتاز ایران را به صورت زمان‌دار ۳/۵ میلیون ریال می‌فروشد در حالی که همین موتور در بازار آزاد ۳ میلیون و ۳۵۰ هزار ریال معامله می‌شود.



مهندس محمدرضا نعمت‌زاده وزیر صنایع کفایت کالاهای صنعتی تنها هشت درصد از صادرات کشور را تشکیل می‌دهد و این در حالی است که سهم کالاهای صنعتی در صادرات کشورهای همسایه و کشورهای صنعتی ۷۰ تا ۹۰ درصد است.

تعارضها را در اسوری از همین قبیل باید جستجو کرد.

در حالی که طی برنامه‌های اول و دوم مقادیر هنگفتی سرمایه به صورت ارزی و ریالی برای توسعه صنایع کشور سرمایه‌گذاری شد سهم صنایع در صادرات فقط ۸ درصد است و صنایع برای سرپا ماندن مجبورند گران بفروشند، سیستم دلالی ویژه‌ای را ساماندهی و راهبری کنند و کارشان تا به آنجا برسد که قیمت فروش آنها از قیمت بازار سیاه هم گرانتر شود.

از آن سو، دولت برای پر کردن ارقام مندرج در ستون درآمدهای خود ناگزیر از تشویق صادرات است، حالا صادرات صنعتی امکان‌پذیر نیست، مواد خام و محصولات غذایی که داریم! مهم این است که کالا صادر کنیم و ارز به دست آوریم؟ ولی آیا به واقع ارز حاصل از این صادرات به داخل کشور باز می‌گردد؟ در سالهای گذشته که باز نگشته انشاء... در سایه اجرای برنامه‌های اقتصادی سال جاری ارز حاصل از صادرات سیب‌زمینی و گوشت و مواد خام به اقتصاد کشور باز گردانده شده باشد!

قضاوت مردم چیست؟

نکاتی که تا این بخش از گزارش به آنها اشاره شد مرتبط با سیاست‌های عمومی اقتصادی کشور، و تضادها و سردرگمی‌ها در رفتار سازمانها و نهادهای سیاستگذار اقتصادی و نهانجاریهای عملکردی دستگاههای اقتصادی بزرگ، به ویژه در بخش دولتی بوده است.

در سطح اجتماع با قضاوتها و

پنداره‌های متفاوتی برمی‌خوریم. بنکداران به نوعی دربارہ نتایج عملکرد دستگاه تعزیرات حکومتی قضاوت می‌کنند، و مردم عادی به نوعی دیگر. اما در مجموع همه آنها معتقدند اجرای قانون تعزیرات نه فقط التهاب دائماً فزاینده تورم و گرانی را تسکین نداده، بلکه در مواردی باعث ناپایی و گرانی غیرقابل تحمل تعدادی از کالاها هم شده است.

در گفتگو با اقشار مختلف مردم سه پرسش زیر را با آنها در میان گذاشتیم:

۱- نظر شما در مورد نتایج اجرای طرح تعزیرات حکومتی چیست؟

۲- مزایا و کاستیهای این طرح از نظر شما کدامها هستند؟

۳- برای رفع کاستی‌های این طرح و اجرای مؤثر و کارساز آن چه پیشنهادی دارید؟

پاسخها را بدون اظهار نظر و داوری منعکس می‌کنیم و امیدواریم از لابه‌لای آنها نکاتی که به بهبود کار تصمیم‌گیرندگان برای مقدرات اقتصادی کشور و نیز معجزان طرح تعزیرات حکومتی کمک کند، قابل استخراج باشد:

○ یک بنکدار پارچه که محل کسب او در خیابان ولیعصر-بین چهارراه ولیعصر و چهارراه جمهوری- واقع است می‌گوید: اصل طرح خوب است، البته در صورتی که درست عمل شود. به نظر من مهمترین وظیفه مأموران تعزیرات کنترل کار و نظارت بر نرخهای شرکتهای تولیدی است. در صورتیکه آنان بیشتر بر فروشگاهها و بناگاههای سطح شهر نظارت می‌کنند. در نتیجه تولیدکننده‌ها کمتر به بناگاهها جنس تحویل می‌دهند و بیشترین کالای تولیدی خود را به واسطه‌ها می‌فروشند و دلیل‌شان هم این است که مبالغ هنگفتی سرمایه‌گذاری کرده‌اند و قیمت‌های رسمی برای ایشان صرف نمی‌کند. با این وضعیت ما هم ناگزیر مجبور به خرید آزاد از دلالها و واسطه‌ها می‌شویم و نتیجه همین می‌شود که می‌بیند: گران شدن کالا

○ یک فروشنده لوازم خانگی شاغل در خیابان جمهوری می‌گوید: اگر به این موضوع عمیقاً بنگریم، می‌بینیم که این طرح تأثیر معکوس (به ویژه در مورد بعضی اجناس) بر بازار گذارده است. بطوری که قیمت‌ها نسبت به پارسال بین ۱۰۰ تا ۱۲۰٪ افزایش یافته است.

اجناسی که تعزیرات روی آنها قیمت‌گذاری می‌کند (مانند تلویزیون پارس، شهاب و...) معمولاً کمیاب می‌شود و فروش آنها به صورت مخفیانه و به قیمت بالاتری انجام می‌گیرد. این روند به صورتی درآمدی که مردم را دچار بدگمانی کرده و عده‌ای می‌پندارند که این اقدامات هم سیاسی بزیای بالا بردن قیمت‌هاست!!

○ یک مصرف‌کننده سخن خود را با این شعر آغاز می‌کند:

خشت اول چون بسند معمار کج
می‌رود کجا لیرا دیوار کج
تعزیرات حکومتی به آن که باغ را می‌دزد، کاری

ندارد، سیب دزد را می‌گیرد. همانطور که می‌بینید با اجرای این طرح قیمت‌ها نه تنها ثابت نمانده بلکه گران و گران‌تر هم شده و مزید بر گرانی، تعدادی از کالاها هم کمیاب و گران شده است، مثل کوه که در ظاهر امر در هیچ فروشگاه مواد غذایی موجود نیست ولی در انبارها نگهداری شده و به دو یا سه برابر قیمت اصلی با کالی و بنت به مشتریان خصوصی عرضه می‌شود.

○ یک بنکدار دیگر لوازم خانگی می‌گوید: اگر تعزیرات در مجرای خود و به معنی واقعی اجرا شود (که نسبی شود) خوب است. وظیفه تعزیرات نظارت و پیگیری است نه دخالت در کار دیگران؛ مثلاً بنکداری برای خرید کالای مورد نظر خود سرمایه‌گذاری می‌کند، موقع تحویل، مأمور تعزیرات سر می‌رسد و می‌گوید: من خودم می‌فروشم. اگر قرار است خودشان بفروشند، پس خودشان نیز سرمایه‌گذاری کنند. بنابراین اصل کنترل و نظارت را نباید با دخالت اشتباه گرفت. مهمتر از همه اینکه برخورد یک مأمور دولت بایستی متین باشد، نه تحکم آمیز. یک مأمور تعزیرات کارمند دولت است و وظیفه‌اش را انجام می‌دهد و فقط می‌تواند نظارت و پیگیری کند. اگر قرار باشد نظارت به حالت فعلی ادامه

یابد کمتر بنکداری حاضر می‌شود پولش را مدت زیادی در کارخانه‌ها بخواباند و ترجیح می‌دهد که سرمایه خود را در زمینه لوازم وارداتی سرمایه‌گذاری کند. دولت باید امکاناتی در اختیار تولیدکنندگان بگذارد و سپس از آنها توقع متابعت از قیمت‌های تعیین شده را داشته باشد. به عبارت دیگر، باید دولت برنامه‌های مختلف خود در امر تولید را تغییر دهد و بین آنها هماهنگی‌های لازم را ایجاد کند... و دیگر اینکه کنترل و نظارت بایستی دائمی باشد، در صورتی که اکثر این طرحها مقطعی است و کار مقطعی هم دردی را دوا نمی‌کند. در مجموع، بدلیل ناماهنگی و ضعیف بودن قوانین اجرایی، تولیدکنندگان در برابر دولت مقاومت می‌کنند و بیشترین تولید خود را به واسطه‌ها می‌فروشند.

● یک مصرف‌کننده که خانم کارمندی است، می‌گفت: این طرح باعث بروز یک سری نتایج منفی شده است که از آن جمله می‌توان به ناپایداری اجناسی مانند قند و کوه اشاره کرد. از طرف دیگر ما هر روز شاهد بالا رفتن قیمت‌ها بخصوص در مورد میوه‌ها می‌باشیم، به صورتی که خیلی از میوه‌ها، به صورت میوه‌های لوکس و بیترتیب درآمدی که اکثریت جامعه توان خرید آنها را ندارند. البته شنیده می‌شود که افزایش بی‌رویه قیمت میوه‌ها به دلیل صادرات حساب نشده آنها است.

● یک خواربار فروش گفته است: اجرای قانون تعزیرات برای صنف ما مفید بوده است، زیرا وقتی مشتری از قیمت بالای اجناس شکایت می‌کند، در جواب می‌گویم قیمتی است که تعزیرات گذاشته است.

ولی اگر اصولی با این موضوع برخورد کنیم، می‌بینیم که در اصل وضع هیچ تغییری نکرده است. و این وضع ثابت می‌کند که در هر حرکتی، بخصوص در این زمینه بایستی اقدامات زیربنایی و ریشه‌ای انجام شود. برای از

بین بردن یک درخت فاسد باید آنرا از ریشه قطع کرد، زدن شاخ و برگ تنها کافی نیست. صرفاً کنترل و نظارت بر کار خرده فروشها دردی را دوا نمی کند، چرا که خانه از پای بست ویران است.

○ صاحب یک فروشگاه تولید و عرضه پوشاک گفته است: مأمورین تعزیرات تاکنون ۳ مرتبه به محل کار ما آمده و قیمتها را با فاکتور کنترل کرده اند. آنها بر چسباندن ایتیکت قیمت روی کالاها خیلی تأکید دارند و ما هم این کار را می کنیم، ولی وقتی ما مواد مورد نیاز خود را گران می خریم طبیعتاً گرانتر هم می فروشیم. مشکل از ناحیه ما نیست، بلکه گره اصلی در قسمتهای بالاتر است. مأمورین تعزیرات علت را اول کرده به معلول چسبیده اند. و نتیجه اش همانطور که می بینید عملکرد معکوس این طرح

اثر بخشی این طرح زمانی قابل درک است که بیاد آوریم در ماههای نخست سال جاری قیمتها با چه سرعتی صعود می کرد و اوضاع به چه سمتی می رفت. بنابراین اجزای آن به عنوان یک راه حل موقت گریزناپذیر می نمود. اما فقط به عنوان یک راه حل موقت... و یا مسکنی برای ساکت کردن درد ناشی از یک بیماری صعب العلاج.

اینکه رفته رفته اثرات تسکینی این مسکن محو می شود. قیمت ها به سطحی نزدیک می شود که تحمل آنها حتی برای صاحبان درآمدهای نسبتاً بالا امکان ناپذیر خواهد شد. این گرانی از یک سو، و کمبود از سوی دیگر اثرات مخربی بر اقتصاد عمومی کشور خواهد گذاشت که بعضاً جبران ناپذیر خواهد بود.

اثرات تسکین دهنده طرح تعزیرات بر اقتصاد کشور در حال شدن است.

بوده است، چرا که از پارسال تا حالا در کار ما (پوشاک) قیمت ها حدود ۸۰ تا ۱۲۰٪ بالا رفته است. قیمت کاپشنی که پارسال ۴۰۰۰ تومان بود اکنون به مرز ۱۰۰۰۰ تومان رسیده است.

○ یک بنگدار ابزار آلات چنین گفته است: به دلیل اینکه این طرحها و نظایر آن هیچکدام اصولی و بنیادی نیست، بنابراین گره های را باز نمی کند، چرا که هر کس منافع خودش را در نظر می گیرد، تولیدکننده، بنگدار و خرده فروش هم همینطور و هیچ ضابطه خاصی بین آنها حکمفرما نیست و هر کس فقط به منافع خود می اندیشد و منافع جمع را در دراز مدت در نظر نمی گیرد. مثلاً در کارما (ابزار آلات) که کم حجم و گران قیمت است یک کالای موسوم به فلز انگشتی را قبلاً ۶۰ تومان می خریدیم و ۹۰ تومان می فروختیم اما دولت اخیراً وارداتش را ممنوع کرد که در نتیجه جنس مزبور به انبارها رفته و پنهانی به چند برابر قیمت اصلی به فروش می رسد. به هر صورت کاسبها ضرر نمی کنند، بلکه دود همه این کارها، طرحها و برنامه ها به چشم مصرف کننده می رود.

مسکن را با دارو اشتباه نگیریم

نقطه نظرهای توده مصرف کننده، فروشندگان جزء و بنگداران کما بیش همین هائی است که در سطوح فوق آورده شد. صاحبان و مدیران صنایع نیز نقطه نظرها و استدلالهایی دارند که در مجموع مبین این باور است که اجرای طرح تعزیرات درمان اصلی درد تورم و گرانی نیست.

واقیتمی را که نباید نادیده انگاشت این است که در آغاز سال جاری وضع اقتصادی کشور به نقطه ای رسیده بود که جز اجرای طرحی نظیر طرح تعزیرات راه دیگری برای کند کردن آهنگ سرسام آور تورم به نظر طراحان و مجریان اقتصادی کشور نمی رسید.

نسبی داشته باشد و تولیدکنندگان نیز برای تولید با مشکل و کمبود مواجه نباشند. اما به نظر می رسد در شرایط کنونی تعدادی از صنایع ما با مشکلاتی جدی در زمینه تأمین مواد اولیه دست به گریبانند و همین امر از جمله عواملی است که حربه تعزیرات را در برابر غول تورم کم اثر - و گاه کاملاً بی اثر - می کند.

به عنوان یک نمونه، انواع لاستیک خودرو در بازار کمیاب است و در بازار سیاه نیز بسیار گرانتر از نرخ های مصوب فروخته می شود. آیا باید مسئولیت این کمبود و گرانی را تماماً بر عهده فعالان بازار سیاه گذاشت؟

قائم مقام شرکت مجتمع صنایع لاستیک بزد که به گفته ای بزرگترین کارخانه لاستیک سازی خاور میانه است و ۷۵ درصد سهام آن به سازمان صنایع ملی و ۲۵ درصد بقیه به بانک سپه تعلق دارد گفته است:

این واحد در حال حاضر با مشکل کمبود نقدینگی روبرو است و در صورت عدم ارائه تسهیلات بانکی برای تأمین مواد اولیه سال آینده دچار مشکل خواهد شد. وزارت صنایع مبلغ یازده میلیون دلار برای انجام تعهدات این شرکت برای سال جاری در زمینه تولید لاستیک تخصیص داده است در حالی که این واحد به خاطر عدم توان مالی امکان تأمین این ارز را ندارد...

دو مورد دیگر را مورد توجه قرار می دهیم؛ مدیرعامل کارخانه فرش ماشینی ستاره کویر یزد گفت:

... کمبود نقدینگی و مواد اولیه وارداتی سبب گردیده تا این شرکت از کمتر از ۵۰ درصد ظرفیت تولیدی خود استفاده نماید...

... کمبود نقدینگی در کارخانه چینی مظلوف مهدی باعث فروش انحصاری ۷۵ درصد محصولات این واحد به یک عمده فروش شده است... مدیرعامل کارخانه چینی مظلوف مهدی گفت که این کارخانه به دلیل کمبود نقدینگی قرارداد مذکور را امضاء نمود و مستعد شد ۷۵ درصد از کل محصولات تولیدی خود را برای مدت سه سال به صورت انحصاری در اختیار یکی از عمده فروشان بازار تهران قرار دهد تا وی اقدام به عرضه این محصولات به سایر فروشندگان نماید.

ریشه تورم را در عدم وجود نرخ مصوب، یا گرانفروشی عده ای سودجو جستجو کردن جز اتلاف وقت، و نهایتاً توقف کوتاه مدت برخی قیمت ها شمری ندارد (که عملاً هم دیدیم نداشته است)

وقتی یک کارخانه صد درصد وابسته به دولت نقدینگی ندارد تا با ظرفیت کامل تولید کند نتیجه جبری آن فزونی تقاضا بر مصرف، و نهایتاً مساعد شدن زمینه برای فعالان بازار سیاه است.

همچنین زمانی که یک واحد صنعتی مجبور می شود ۷۵ درصد از تولید سه سال آتی خود را یکجا و انحصاراً به یک دلال و پولدار واگذار کند، امید بستن به کارآئی شلاق تعزیرات خودفروشی نیست؟

سکون نسبی حاصل از اجرای طرح تعزیرات در ماههای گذشته نمی باید مایه آسودگی خیال مسئولان اقتصادی کشور می شد، بلکه لازم بود آنان برای درمان بیماری های اقتصاد کشور درصدد یافتن داروهایی مؤثر نیز بر می آمدند و این داروها را در رگ اقتصاد تزریق می کردند.

به نظر می رسد کسی برای جستجوی این دارو اقدامی نکرده... شاید هم سطح قیمت ها در شرایط کنونی است.

روند صعود قیمت ها اخیراً چنان شتابی یافته است که فضای ماههای نخستین سال جاری را تداعی می کند. تنها تفاوتی که بین وضع حال با وضع ماههای اول امسال می توان مشاهده کرد سکون نسبی قیمت ارزها و طلا است. در آن ماهها نقطه نقل اظهارنظرها پیرامون تورم، گران شدن ساعت به ساعت قیمت ارزها و طلا بود. اما اکنون ضروری ترین و صرف نظرنا کردنی ترین مایحتاج عمومی در معرض تهاجم تورم قرار دارد.

اگر تعزیرات حکومتی خیلی شدیدتر از شرایط فعلی هم به اجرا گذاشته شود، اما سایر عوامل تغذیه کننده غول تورم نادیده گرفته شوند باید در انتظار شتاب افسار گسیخته رشد قیمت ها در ماههای آینده بود.

آن زمان دیگر از تعزیرات حکومتی حتی نمی توان انتظار اثر یک مسکن را داشت.

کمبود نقدینگی: دلالتی و کاهش تولید

کمبود عرضه در مقایسه با تقاضای بازار از جمله دلایل اصلی تورم و ایجاد بازار سیاهی است که در آن شدت تقاضا تعیین کننده قیمت ها است و نه نرخ های مصوب رسمی.

تعادل بین عرضه و تقاضا نیز زمانی برقرار می شود که ظرفیت تولید هر کالا با میزان مصرف آن همخوانی